

روی کرد به این دلایل پذیرفتنی است: دست‌نویست فلورانس، ترجمه عربی بنداری از شاهنامه (۶۲۰-۶۲۱ ه. ق)، غرر ثعالبی که در بیشتر داستانها با شاهنامه یکسان است و مجمل‌التواریخ این دو روایت را ندارند. از لحاظ واژگانی بیشتر بیت‌های هر دو داستان سست و بدور از شیوه ویژه فرزانة توس است مانند این بیت که خورشید را به رخ دلبران همانند کرده:

بخت و چو خورشید از خاوران

برآمد بسان رخ دلبران

(جلد ۱، ۲۶۶، ۳۱)

از نظرگاه داستانی نیز رستم در شاهنامه نخستین بار پس از مرگ زوتهماسپ وارد صحنه می‌شود. آن هم به صورت نوپهلوانی که نه رزم‌افزار دارد و نه باره، حال آن که اگر دو داستان افزوده در پادشاهی منوچهر اصالت داشت، رستم به عنوان یلی کارآزموده و میدان دیده شناسانده می‌شد و نه پهلوان‌زاده‌ای نوظهور و بی‌تجربه.

(۴) در مقاله (پری)، حاشیه ۲۸، ص ۱۲، (توس) را

در بیت:

نخستین به توس اندرون اژدها

که از چنگ او کس نکستی رها

(جلد ۴، پادشاهی گشتاسپ، ۳۰۴۱)

به این دلیل که در روایات باستانی در معنی شهر معروف خراسان بکار نرفته به (پیطون/پیدون) که گونه پارسی (Pitona)، نام دشمن گرشاسپ در اوستا، است تصحیح قیاسی کرده‌اند. داستان نبرد (سام=گرشاسپ) با اژدها در شاهنامه دوبار آمده است نخست در نامه‌نویسی سام به منوچهر و دوم در داستان رستم و اسفندیار که در اشارت نخستین جایگاه نبرد کنار (رود کشف) می‌باشد و (کشف رود) در جغرافیای شاهنامه در شرق توس قرار دارد و بر بنیاد نوشته استخری در مسالک‌الممالک در حوزه شهرهای توس جریان دارد و این نشان می‌دهد که نبردگاه سام/گرشاسپ با اژدها در محدوده شهر توس است. هم‌چنین اگر چه از توس به عنوان شهر در روایات باستانی نامی نیست اما در شاهنامه و گرشاسپ‌نامه از این شهر نام برده شده است:

میان سرخس است نزدیک توس

زباورد برخاست آوای کوس

(جلد ۴، ۸۲، ۱۱۴۹)

پیش‌گفتار است حال آن که در کتابهایی از گونه مجموعه مقالات، آیین بر این است که ناشر یا نویسنده مقالات در پیش درآمدی درباره موضوع نوشته‌ها، تاریخ نگارش و چاپ آنها و مسائلی از این سان توضیحات کوتاهی ارائه می‌کنند.

(۲) در مقاله (گرز نیای رستم)، بیت‌هایی را که بر بنیاد آنها زال، گرز گرشاسپ را به رستم می‌دهد و در چاپ مسکو الحاقی دانسته شده است اصیل و از استاد فردوسی می‌دانند. در این باب باید توجه داشت که از دوازده نسخه معتبر شاهنامه فقط دو دست‌نویست این بیتها را دارند.

نخست: نسخه قاهره (۷۴۱ ه. ق) که با نسخه بریتانیا (۶۷۵ ه. ق) خویشاوند نزدیک است و هر دو در سه یا چهار پشت از یک دست‌نویست واحد شاخه می‌گیرند ولی نسخه بریتانیا-که معتبرتر تیر هست- آن بیتها را ندارد و این نشان می‌دهد که ابیات سپستر افزوده شده است.

دوم: نسخه برلین (۸۹۴) که با طویق‌پوسرای (۷۴۱) خویشاوند است اما طویق‌پوسرای هم بیتها را ندارد هم چنین دست‌نویست برلین از نظر نسخه‌شناسی ضعیف مهمی دارد و آن داشتن بیشتر روایات و تک‌بیت‌های الحاقی است، نبودن این بیتها در کهن‌ترین نسخه شناخته‌شده شاهنامه، فلورانس (۶۱۴) نیز مزید بر علت است. از دیدگاه تعادل متن هم که نوشته‌اند: «یک سونهدان این ابیات وحدت موضوع داستان را به هم می‌زند.» باید گفت که این مورد نخستین و تنها گسل داستانی در شاهنامه نیست و از چنین ناسازگاریهایی بسیار دیده می‌شود از جمله: دستور شدن سرو، شاه یمن، در درباره فریدون بدون اشاره و توضیح و ظهور بی‌مقدمه پهلوان بزرگی چون سام که باید با معرفی و ذکر پیشینه باشد.

(۳) در همان مقاله، حاشیه شماره ۳، ص ۱۱۶، از الحاقی دانسته شدن دو داستان (رستم و پیل سپید) و (رستم و دژ سپید) در چاپ مسکو، اظهار شگفتی شده است. الحاقی بودن دو داستان یاد شده در شاهنامه با

(سایه‌های شکار شده)، نام زیبا و فروتنانه مجموعه بیست مقاله از نام‌آشنای جهان شاهنامه‌شناسی و اساطیر ایرانی، دکتر بهمن سرکاراتی، است که به پامردی نشر قطره گردآوری و چاپ شده است، نوشتارهایی در باب تاریخ، ریشه‌شناسی، اسطوره و شاهنامه که هر یک بیشتر در مجموعه یا مجله‌ای چاپ گردیده اما پرمایگی درونمایه و ارزش علمی آنها در اندازه‌ای است که با وجود پیشینه بیست و چند ساله برخی از مقالات، مطالب و نتایجشان هنوز نو، استوار و پذیرفتنی می‌باشد و بر همین بنیاد است که دکتر مهدی قریب، شاهنامه‌شناس هم‌روزگار، مقاله (بنیان اساطیری حماسه ملی ایران) را عالمانه‌ترین تحقیقی می‌دانند که به زبان پارسی در آن موضوع مطالعه کرده‌اند و شادروان دکتر مهرداد بهار، اسطوره‌پژوه برجسته، مقالات دکتر سرکاراتی را بسیار جالب توجه و علمی خوانده‌اند. آشنایی نویسنده مقالات با زبان انگلیسی و زبانهای باستانی ایران زمین و تسلط کم‌نظیر ایشان بر اساطیر و حماسه‌های هند و اروپایی که نشان آنها در یکایک مقالاتشان دیده می‌شود، از عوامل مهم جامعیت و سطح علمی بالای نوشته‌های ایشان است، هم‌چنین نثر ساده، زیبا و در عین حال توانای نویسنده مقالات که به علت انس و آشنایی بسیار با شاهنامه، اوستا و متون کهن ایرانی از ترکیبات تغزی نیز بهره‌مند است در افزایش ارزش علمی-ادبی مقالات بی‌تأثیر نمی‌باشد. بطور کلی، مقالات مجموعه مورد بررسی برای هر علاقه‌مند و پژوهنده فرهنگ و ادب ایران زمین سودمند و قابل استفاده است اما در بهره‌گیری از آنها به نکاتی چند نیز باید روی کرد که در این جا بدانها اشاره می‌شود:

(۱) مجموعه (سایه‌های شکار شده) فاقد مقدمه و



سایه‌های شکار شده (گزیده مقالات پارسی)

دکتر بهمن سرکاراتی

نشر قطره، ۱۳۷۸

سجاد آیدینلو

در پرتو

بند از توس و کرمان فراوان گروه
به لشکر در از پایکاری متوجه
(گرشاسپنامه، ۱۲، ۲۶۷)

و مقدسی در البداء والتاریخ و گردیزی در زین الاخبار
بنای این شهر دوران اسلامی ایران را به جمشید،
پادشاه ایران پیش از اسلام، نسبت داده‌اند، سه دیگر
این که در یادکرد این شهر پس از اسلام در داستانهای
ملی و پیش از اسلام شاهنامه باید موضوع تأثیر عصر
فردوسی در روایات شاهنامه را نیز به دیده داشت
هم‌چنان که تولد که می‌نویسد: «این حماسه بزرگ از
قرنی که در آن به وجود آمده است، حکایت می‌کند.» و
نمونه‌ای از این اثرگذاری حضور کنیزان و غلامان ترک
در داستان زال و رودابه است. بر بنیاد این دلایل شاید
بتوان گفت که (توس) به عنوان ضبط تمام نسخه‌های
خطی و چاپی شاهنامه در بیت مذکور، نیازی به تصحیح
قیاسی ندارد.

(۵) در مقاله (سلاح مخصوص پهلوان در روایات
حماسی هند و اروپایی)، ص ۳۳۹ آمده است که: «معلوم
نیست که دو ابزار (آشتر) و (سوژا) - نام دو افزار ایزدی
که اهورا مزدا به جمشید می‌بخشد - و یا یکی از آن دو
هرگز کاربرد رزمی داشته یا نه.» در برابر این مطلب در
کتاب (روایت پهلوی) چنین آمده است: «گرگی که
پهنایش چهارتند و پانزده گام و درازیش چهارسد و سی
و سه گام است پدیدار شود، به دستوری اوشیدر مردم
سپاه آریند و به کارزار آن گرگ شوند پس مردمان آن
دروچ را به (آشتر) و کارد و گرز و شمشیر و نیزه و تیر و
دیگر ابزارها کشند.» آشکار است که در این جا (آشتر) به
صورت رزم‌افزاری در کنار گرز و شمشیر و نیزه آمده و
کاربرد رزمی دارد.

(۶) عنوان یکی از مقالات مجموعه، «بازشناسی
بقایای افسانه‌ی گرشاسپ در منظومه‌های حماسی
ایران» است که در این نامگذاری واژه (افسانه) با
روی‌کرد بدین که گرشاسپ یک شخصیت (اساطیری)
هند و ایرانی می‌باشد، محل تأمل است چرا که روایات
مربوط بدورا نیز باید (اسطوره) نامید نه افسانه، افسانه
فاقد آن سامان اندیشه‌ای، انسجام ویژه و پختگی لازم
اسطوره است و در اصل با آن متفاوت. (۷) در مقاله
(پهلوان اژدرکش در اساطیر و حماسه ایران)، ص ۲۴۵ از

چند همسانی میان فریدون و گرشاسپ یاد شده است،
در این زمینه شایسته است به بیٹی از شاهنامه که در آن
آشکارا شخصیت فریدون بر گرشاسپ منطبق شده
است، اشاره شود و آن بیت، این است:
همانا که باشد به روزشمار

فریدون و ضحاک را کارزار
(دفتر ۱، ۲۰۹، ۶۷۲)
بر بنیاد این بیت در روزشمار کارزار بین فریدون و
ضحاک خواهد بود در صورتی که در کتابهای پهلوی
ناپودکننده ضحاک بند گسل و زیان‌کار در آخرالزمان
گرشاسپ است.

(۸) در مقاله (سلاح مخصوص پهلوان در روایات
حماسی هند و اروپایی)، ص ۳۳۹، زیر موضوع یادگاری
بودن رزم‌افزار پهلوان از نیاکان، از شاهنامه و پهلوانان
ایران زمین فقط گرز رستم نمونه آورده شده است، حال
آن که در شاهنامه (تیر) اسفندیار نیاکانی است:
بینی کنون تیر گشتاسپی

دل شیر و پیکان لهراسپی
(جلد ۶، ۳۰۴، ۱۲۸۵)
(بیر بیان) رستم بر بنیاد بیٹی در دو نسخه بریتانیا و
انستیتوی خاورشناسی، مُردری است:
که این مُردری بیر و خفتان جنگ

بینداز و این مغفر تیره رنگ
(جلد ۴، ۳۲۰، ۹)
و در داراب‌نامه طرسوسی (زره زخم‌ناپذیر) داراب،
یادگاری است از گیومرت و پهلوانی چون اسفندیار.

(۹) در مقاله (دیر، وین سیا دین؟)، ص ۲۲۷، دیر
(کنایه) از گیتی آمده است. شایان توضیح است که
گاربرد (کنایه) به مفهوم کلی که شامل (مجاز) و
(استعاره) نیز باشد، اصطلاح قدماست و امروزه در بیان
(استعاره) و (کنایه) دو مقوله جدا از یک دیگرند.

(۱۰) در همان مقاله، ص ۲۲۸، حرف (ب) در فعل
(بمانم) به مصراع: بر این دین خرم بمانم دراز (جلد ۲،
داستان سیاوش، ۱۰) (حرف زینت) نامیده شده است.
در توضیح باید گفت که در زبان هیچ عنصر زاید یا
زینتی وجود ندارد و چیزی بی‌دلیل و ضرورت بکار
نمی‌رود چه بشر بر آن است که زبانی کوتاه و پیراسته
داشته باشد به همین جهت (ب) در فعل (بمانم) حرف
تأکید است.

آرزومند است که پیشنهادهای یاد شده در
بهره‌گیری از مقالات پرمایه مجموعه (سایه‌های شکار
شده) بکار آید.
منابع:

- (۱) اوستا (کهن‌ترین سرودهای ایرانیان)، گزارش دکتر جلیل دوستخواه، انتشارات مروارید، چاپ چهارم ۱۳۷۷
- (۲) بازخوانی شاهنامه (تأملی در زمان و اندیشه فردوسی)، دکتر مهدی قریب، انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۶۹
- (۳) جستاری چند در فرهنگ ایران، دکتر مهرداد بهار، انتشارات فکر روز، چاپ دوم ۱۳۷۴
- (۴) حماسه ملی ایران، تنودور تولدکه، گزارش بزرگ علوی، نشر جامی و نشر سپهر، چاپ چهارم ۱۳۶۹
- (۵) داراب‌نامه طرسوسی، به کوشش دکتر ذبیح‌الله صفا، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم ۷۳
- (۶) درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی، دکتر سعید حمیدیان، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۲
- (۷) سبک‌شناسی، ملکه‌الشمسرای بهار، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم ۱۳۷۵
- (۸) شاهنامه فردوسی، به تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، انتشارات روزبهان، ۱۳۶۸
- (۹) شاهنامه فردوسی، به تصحیح ژول مول (با مقدمه دکتر محمد امین ریاحی)، انتشارات سخن، چاپ چهارم ۷۳
- (۱۰) شاهنامه فردوسی، چاپ مسکو، به کوشش دکتر سعید حمیدیان، دفتر نشر داد، چاپ دوم ۱۳۶۹
- (۱۱) ضمیمه دفتر یکم شاهنامه خالقی، انتشارات روزبهان، ۱۳۶۹
- (۱۲) فرهنگ اساطیری - حماسی ایران، به کوشش دکتر مهین دخت صدیقیان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۵
- (۱۳) فرهنگ شاهنامه (نام کسان و جایها)، حسین شهیدی مازندرانی (بیژن)، بنیاد نیشابور، چاپ نخست ۱۳۷۷
- (۱۴) فتن بلاغت و صناعات ادبی، استاد جلال‌الدین همایی، مؤسسه نشر هما، چاپ دوازدهم ۱۳۷۵
- (۱۵) گرشاسپ‌نامه اسدی توسی، به کوشش حبیب یغمایی، کتابفروشی و چاپخانه بروخیم، ۱۳۱۷
- (۱۶) گل رنجهای کهن (گزیده مقالات دکتر خالقی مطلق)، به کوشش علی دهباشی، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۲
- (۱۷) نقشه جغرافیایی شاهنامه، حسین شهیدی مازندرانی (بیژن)، بنیاد نیشابور، ۱۳۷۱

سایه‌های شکار شده